

بیان مفاهیم زیبایی‌شناسی رنگ در ادبیات اسلامی و آثار هنرمندان قرون دوم و چهارم هجری براساس آزمون رنگ ماکس لوشر

(نمونه موردی: بشاربن برد و ابوالعلاء معری)

چکیده

بشار و ابوالعلاء معری با وجود اینکه از فقدان حس بینایی و تجربه دیدن نور و رنگ در عرصه حیات رنج می‌برند اما به دلیل قابلیت‌ها و استعدادها و خلاقیت‌های فراوان، توانسته‌اند در ترسیم تصاویر رنگی و معانی نمادین آن‌ها به سطح مشارکت هم‌تایان شعری بینای خویش برسند و حتی تا مرحله نوآوری پیش بروند. امروزه روان‌شناسی کاربردی رنگ‌ها یکی از بهترین روش‌های در کنار زدن نقاب‌ها از سیمای شخصیتی انسان است، زیرا از نظر این علم هر رنگ معنایی ساختاری دارد. آزمایش رنگ ماکس لوشر یکی از جدیدترین نظریه‌ها در این زمینه است که به وسیله هشت رنگ کارکردی و گروه‌بندی آن‌ها به شکل زوج‌های دوگانه و تفسیر و تحلیل این گروه‌ها، وضعیت روحی و روان افراد را بازگو می‌کند. پژوهش حاضر قصد دارد بر پایه آزمون رنگ لوشر به واکاوی بخش پنهان روان دو شاعر و ارتباطات و رفتار اجتماعی‌شان بپردازد و از این رهگذر، شخصیت آنان را در اختیار خواننده قرار دهد. مهم‌ترین یافته این پژوهش نشان می‌دهد که بشار و ابوالعلاء در روابط و سبک زندگی راهبرد بینابین و محتاطانه اتخاذ کرده‌اند؛ بدین معنا که دنیای آن‌ها به دو بخش تقسیم می‌شود: از یک سو نیم‌نگاهی به حوزه جبرانی (تسلط بر هیجانات، بازسازی و مدیریت خود) دارند، چراکه با وجود تلاش در برقراری امنیت و ثبات جسمی و روانی به‌عنوان مؤلفه و پیش‌نیاز ارتباط بین‌فردی و جمعی باز هم به‌طور متناوب در معرض تهدیدات و عوامل چالش‌زای ارتباطی قرار می‌گرفتند و همین مسئله باعث تخریب روابط و البته طرد و تنهایی آن‌ها می‌گشت؛ از طرف دیگر، به‌دنبال فعال کردن تمام قابلیت‌های بالقوه باقی‌مانده از روابط و وضعیت موجود خود هستند و به نوعی نمی‌خواهند مانند کسی باشند که منفعلانه ضربه‌های سرنوشت را تحمل می‌کند و این آرامش و ثبات نسبی منجر به بی‌تفاوتی و درماندگی و بی‌اعتنایی آنان شود.

اهداف پژوهش:

۱. بیان مفاهیم زیبایی‌شناسی رنگ در ادبیات فارسی و آثار هنرمندان قرون دوم و چهارم هجری.
۲. زیبایی‌شناسی رنگ در آثار بشاربن برد و ابوالعلاء معری.

سوالات پژوهش:

۱. مفاهیم زیبایی‌شناسی رنگ در ادبیات فارسی و آثار هنرمندان قرون دوم و چهارم هجری چه جایگاهی دارد؟
۲. زیبایی‌شناسی رنگ در آثار بشاربن برد و ابوالعلاء معری چگونه است؟

کلیدواژه‌ها: روان‌شناسی رنگ، نظریه ماکس لوشر، شخصیت، بشاربن برد، ابوالعلاء معری.

مقدمه

تا زمانی که ما با درون و شخصیت صاحب اثر به خوبی آشنا نشویم، نمی‌توانیم نسبت به یک اثر ادبی نقدی زیبایی‌شناختی، اخلاقی یا هر نقد دیگری داشته باشیم (اسماعیل، ۱۹۸۶: ۲۰). برای تحلیل یک اثر ادبی و نیز شناخت شخصیت آفریننده‌اش باید از تمام عوامل و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده درون و بیرون متنی آن استفاده جست. یکی از مهم‌ترین این عناصر، رنگ‌ها می‌باشند. دقت نظر در میزان بسامد واژگان رنگین در آثار هر شاعر می‌تواند ما را به بسیاری از ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری و شخصیتی شاعر و همچنین لایه‌های زیرین جهان بینی وی رهنمون سازد (قاسم‌زاده و نیکوبخت، ۱۳۸۲: ۱۴۵). امروزه روان‌شناسی کاربردی رنگ‌ها بر این باور است که خصایص روحی و به‌طور کلی شخصیت واقعی او از میزان علاقمندی او به رنگ خاص یا تنفرش آشکار می‌شود (آزاد کردمحل، بی‌تا: ۵۷). پس از آزمایش روشاخ در زمینه شناخت شخصیت انسان از طریق لکه‌های رنگین جوهر، آزمایش ماکس لوشر جدیدترین نظریه‌ای است که در این باره ارائه شده است (لوشر، ۱۳۹۸: ۸).

بشاربن برد و ابوالعلاء از جمله شاعران نابینای عصر عباسی و البته با دو محیط متفاوت هستند که «در فرآیند زیستی و تحول شخصیتی خود از تجربه نور بی‌بهره بوده‌اند و همین فقدان از کنش مهم و حیاتی شناختی - روانی یعنی دیدن رنگ و شکل در گستره حیات ناگزیر ویژگی‌های خاص شناختی و روانی - اجتماعی قابل توجهی» (افروز، ۱۳۸۸: ۱۲). مثل احساس حقارت، طرد و تنهایی، خودانگاره منفی، ناامیدی، پرخاشگری، بدبینی و ... برای آنان در پی داشته است. از سوی دیگر، جنبه مثبت سکوت بینایی بر شخصیت بشار و ابوالعلاء این‌گونه بوده است که آنان را «انسانی جسور و کنجکاو، با روحیه و اراده قوی، سرشار از نبوغ و هوش و خلاقیت ساخته است» (حمیدزاده، ۱۳۸۹: ۱۸). تا جایی که توانسته‌اند از رهگذر همین ویژگی‌ها و با تکیه بر اطلاعات ادراکی و شناختی، بر موانع و پیامدهای منفی یاد شده فائق آیند و با تقویت ملکه خیال خود در تصور پدیده‌های دیداری - رنگی و رسم تصاویر هنری و لفظی به سطح مشارکت با بینایان برسند و بلکه فراتر از آن‌ها تا حد ابداع پیش بروند و گاهی معانی نمادین رنگ‌ها بیشتر از خود آن‌ها توجه نابینایان را به خود جلب کرده است. با توجه به همین استعداد و ظرفیت رنگی شاعران نابینا و نیز برخورداری از نوعی شخصیت روانی خاص به تبع مسئله نابینایی و شرایط زندگی زمانه، نگارندگان را بر آن داشت تا با بررسی و تحلیل و توصیف رنگ‌های به کار رفته در دیوان دو شاعر نابینا براساس آزمون رنگ لوشر پرداخته و به دنبال پاسخ پرسش‌های خود برآیند:

۱. آشنایی با ماهیت نمادین رنگ‌ها و نقش مؤثر آن در تحلیل شخصیت انسان چقدر می‌تواند بستری مطلوب برای تبیین ویژگی‌های روانی - شناختی و خصیصه‌های بارز شخصیتی شاعران نابینا - بشار و ابوالعلاء - باشد؟

۲. نظریه روان‌شناسی رنگ ماکس لوشر چگونه و تا چه اندازه می‌تواند شخصیت بشاربن برد و ابوالعلاء معری را از طریق کاربرد رنگ‌های شعریشان تحلیل کند؟

در زمینه کارکرد رنگ در اشعار دو شاعر، پژوهش‌هایی به صورت جداگانه صورت گرفته است، از جمله آن‌ها: کتاب «رؤیة فنیة - قراءات فی الادب العباسی -» نگارش دکتر صالح الشتیوی. این اثر تألیف یافته از مجموعه مقالات نویسنده است. مؤلف در بخش نتیجه پژوهش بیان می‌دارد: رنگ‌های شعر بشار فقط جنبه زینتی ندارند بلکه دارای تأثیر و اقتناع مخاطب می‌باشد و از سوی دیگر، کاربرد آن‌ها مایه شگفتی و جلب توجه و خیال‌انگیزی شده است. مؤلف محترم از یک‌سو رنگ‌های شاعر را بر سه سطح - انسانی، حیوانی، اشیاء - تقسیم‌بندی و از طرف دیگر با انتخاب شواهد شعری مناسب و اختصار حجم مطالب و استناد به منابع مهم و کاربردی، فقط به بررسی و توصیف معانی نمادین و ابعاد دلالتی رنگ‌های شعری بشار می‌پردازد، و جانب تحلیلی آن‌ها را مدنظر قرار نمی‌دهد و به همین سبب نمی‌توان به طور دقیق ویژگی‌های شخصیتی بشار را شناخت. حیاة بو عافیة در رساله خود تحت عنوان: «الصورة الفنية فی شعر ابی العلاء المعری و اثرها فی المعنی» و در بخش انواع تصاویر هنری براساس حس‌آمیزی، بیشتر به مسئله دلالت رنگ‌ها از منظر زیبایی‌شناسی هنری - بلاغی توجه داشته تا رویکرد روانشناسانه و در ضمن، بررسی آماری رنگ‌ها را نیز بدان ملحق کرده است. گفتنی است تا آنجا که نویسندگان این مقاله تحقیق نموده‌اند، پژوهش مستقلی که به صورت مقایسه‌ای به بررسی و تحلیل رنگ‌ها در اشعار بشار و ابوالعلاء براساس مبانی نظری پژوهش حاضر نگارش یافته باشد، پیدا نشد. بنابراین در این نوشته ابتدا کوشش شده است که بسامد و فراوانی رنگ‌ها در اشعار بشار و ابوالعلاء با دقت بیشتری استخراج و در وهله بعدی با بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های معانی نمادین آن‌ها و نیز انطباق با نظریه روانشناسی رنگ ماکس لوشر، تحلیلی جامعی از خصیصه‌های شخصیتی دو شاعر ارائه دهد. همچنین زیبایی‌شناسی رنگ در آثار هنرمندان قرن دوم و چهارم هجری بررسی شود.

نتیجه‌گیری

انتخاب رنگ سیاه در ردیف اول به جای آبی که به عنوان یکی از رنگ‌های اصلی در جایگاه پنجم و هفتم شعر بشار و ابوالعلاء قرار گرفته، این پیام را ارسال می‌کند که هر دو شاعر نیاز اصلی آن‌ها به اعتماد و اطمینان و آرامش و ثبات به عنوان مؤلفه‌های امنیت و پیش‌نیاز هر نوع ارتباطی ارضاننده باقیمانده و در چنین حالتی، این نیاز اساسی ارضاننده یک منبع استرس است که باعث احساس محرومیت و اضطراب هر دو شاعر گردیده است.

رنگ سرخ در جایگاه دوم بشار و ابوالعلاء علاوه بر نمایش هیجانات منفی حاصل از محرومیت و فریاد اعتراض خود نسبت به وضعیت موجود، بیانگر امید و علاقه آنان به فعالیت و تلاش و شور و شوق فراوان در جهت حل مشکل و برداشتن موانع از مسیر زندگی و سرنوشت خویش است؛ و نهایتاً درباره گروه اول (سیاه و سرخ) بشار و ابوالعلاء می‌توان گفت که بشار و ابوالعلاء به خاطر مسئله نابینایی و پیامدهای ناشی از آن دچار احساس محرومیت و اضطراب و رنج جدایی و تنهایی دست به گریبان هستند. رنگ زرد در جایگاه سوم دلالت بر فلسفه و روش اساسی بشار و ابوالعلاء جهت حل مشکل موجود دارد؛ طوری که هر دو شاعر به دنبال یافتن راهی و مقرر جهت بیرون آمدن از این دشواری و تنگنا و گریز به سوی آزادی و آرامسازی روح و روان و جسم خود از استرس‌ها و اضطرابات و هیجانات منفی ناشی از محرومیت دارند. بشار با انتخاب مکانسیم دفاعی انحراف توجه و ذهن (مشغول‌سازی خود با زیبارویان و همنشینی با هم‌پیلگان شراب) و ابوالعلاء نیز با مکانسیم عقلی و جداسازی و تحمیل قید و بندهای سخت و خشک مثل لباس و غذای خشن، این امر را محقق می‌کنند. اما آنچه که باید گفت ماهیت فعالیت جبرانی افراطی و اجباری است و به ندرت منجر به رضایت‌مندی می‌شود. شواهد شعری و منابع مکتوب حکایت از افراط دو شاعر دارند؛ طوری که یکی کارش به پرده دری و هتک حرمت کشید و آن دیگری به بدبینی و منفی‌گرایی. قرار

گرفتن رنگ سبز و قهوه‌ای در جایگاه چهارم بشار و ابوالعلاء این حقیقت را آشکار می‌سازد که هر دو بعد از آرام‌شدن نسبی اوضاع روحی و جسمی و بازگشت بارقه‌ها و نشانه‌های امید در پی تصمیم‌گیری جهت عبور و گذر از این بحران هستند، نقطه اشتراک تصمیم هر دو در برقراری ثبات و امنیت نسبی و قابل قبول است. به‌طور کلی درباره گروه دوم باید گفت: زرد و سبز (ارتقای موقعیت اجتماعی با اکتساب ثروت)، زرد و قهوه‌ای (عزالت‌نشینی جهت حفظ ارزش‌های اصیل) ناظر بر انتخاب راه حل یا دنیای مطلوب متفاوت بشار و ابوالعلاء در چگونگی حل این مسئله است. گروه سوم: آبی و خاکستری (گسترش شبکه‌ی ارتباطی با احساس نه‌چندان عمیق)، سبز و خاکستری (آگاه‌سازی و تهذیب جامعه با وعظ و نصایح غیرمستقیم) مشخص‌کننده شیوه عملی و راهبرد متمایز دو شاعر در ارتباطات اجتماعی خود بعد از حل مسئله ثبات است و گروه پایانی: آبی و بنفش، قهوه‌ای و بنفش (راه دادن افراد فقط با نگرش مشابه به حریم شخصی/ عدم راه‌دادن افراد به خاطر نبود هرگونه تفاهم) حالت تدافعی و تدابیر پیشگیرانه متباین دو شاعر را نشان می‌دهد که دنبال حفظ و تداوم ثبات و امنیت خود در روابط هستند. در آثار هنرمندان قرون نخستین هجری نیز کاربرد رنگ‌های اصلی بسیار رایج بود و رنگ‌های زرد و سبز و آبی دارای بیشترین کاربرد بوده‌اند.

فهرست منابع و مآخذ:

- آزاد کرد محله، فاطمه. (۱۳۹۳). «روانشناسی رنگ در کتاب در آستانه احمد شاملو». جلد نخست، هفتمین همایش انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی.
- ابن‌برد، بشار. (۲۰۰۷). دیوان، جمعه و شرحه و کَمَلَةُ و عَلَقَ علیه محمد الطاهر ابن عاشور. ۴ اجزاء، الجزائر: وزارة الثقافة.
- ابوعون، عبد القادر. (۲۰۰۳). «اللون و ابعاده فی الشعر الجاهلی». رسالة الماجستير، غزة: جامعة النجاح للوطنية.
- استوار، مسیب. (۱۳۹۱). رنگ، تهران: دانش
- اسماعیل، عزالدین. (۱۹۸۱). التفسیر النفسی الأدب. بیروت: دارالعودة. الطبعة الأولى
- افروز، غلامعلی. (۱۳۸۸). «بررسی تحلیلی و مقایسه‌ای مبانی روان‌شناختی، ویژگی‌های شناختی و روانی و اجتماعی جوانان نابینا و ناشنوا»، مجله: روان‌شناسی و علوم تربیتی، ش ۲، ۱۵-۱۲.
- یتن، جوهانز. (۱۳۷۴). رنگ. ترجمه: محمد حسین حلیمی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- پورعلی خانی، هانیه. (۱۳۸۰). دنیای اسرارآمیز رنگ‌ها، تهران: هزاران.
- ریاض، عبدالفتاح. (۱۹۸۳). التكوين فی الفنون التشکلیة، القاهرة: دارالنهضة العربية، الطبعة الأولى.
- حمدان، عبدالله. (۲۰۰۸). «دلالت الألوان فی شعر نزار الباقی». رسالة الماجستير، كلية النجاح الوطنية، فلسطين: نابلس.
- حمیدزاده، حسن. «۱۳۸۹». «حکمت در دیوان اللزومیات ابوالعلاء معری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی کاشان.

- خادمی کولایی، فاطمه و یآوری، سیاوش. (۱۳۹۴). «تحلیل مقایسه‌ای کارکرد رنگ‌ها در شعر سیمین بهبهانی و سیاوش کسرای» همایش ملی هزاره سوم علوم انسانی، شیراز، ۱۸ - ۱.
- السعكة، مصطفى. (۲۰۱۱). الشعر و الشعرا و فی العصر العباسی. بیروت: دار العلم للملایین.
- السقطی، رسمیه موسی. (۱۹۹۶). اثر كف البصر على الصورة عند ابی العلاء المعری. رساله دكتوراه، جامعه القاهرة. الشاهر، عبدالله. (۲۰۰۲). «الأثر النفسی للون»، موقف الأدبی، العدد ۳۷۹.
- الشتیوی، صالح. (۲۰۰۵). رؤیه فنیة، قراءات فی الأدب العباسی، الطبعة الأولى. بیروت: المؤسسة العربیة للدراسات و النشر.
- ضیف، شوقی. (۱۳۸۴). هنر و سبک‌های شعر عربی. ترجمه: مرضیه آباد، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- طه حسین. (۲۰۰۹). شرح لزوم ما لا یلزم، الجزء الأول، مصر: دارالمعارف.
- علی‌اکبرزاده، مهدی. (۱۳۸۹). رنگ و تربیت. چاپ سوم، تهران: میشا.
- فروید، زیگموند. (۱۳۹۹). کاربرد روانکاوی در نقد ادبی-هفت اثر از فروید درباره ادبیات. ترجمه: حسین پاینده، چاپ سوم، تهران: مروارید.
- فیست، جس و گریگوری جی. (۲۰۰۲). نظریه‌های شخصیت. ترجمه: سید یحیی صفوی، چاپ چهارم. تهران: روان.
- الفیفی، عبدالله. (۱۹۹۷). الصورة البصریة لدى الشعراء العمیان. ریاض: النادي الأدبی.
- قاسم‌زاده، سیدعلی و نیکوبخت، ناصر. (۱۳۹۲). «روانشناسی رنگ در اشعار سهراب سپهری»، پژوهش‌های ادبی، ش ۲، ۲۲.
- کریمی، یوسف. (۱۳۸۹). روان‌شناسی شخصیت. تهران: دانشگاه پیام نور.
- لوشر، ماکس. (۱۳۹۸). روان‌شناسی رنگ‌ها، ترجمه: مانا رامشنی، تهران: ندای معاصر.
- مختار عمر، احمد. (۱۹۹۷). اللغة و اللون، ط ۲، القاهرة: علام کتب.
- معری، ابوالعلا. (۲۰۰۸). شرح اللزومیات، ۳ أجزاء، تحقیق: سیده حامد و ...، إشراف و مراجعة: الدكتور حسین نصار، مصر: مرکز تحقیق التراث.
- میدانی، ابوالفضل. (۲۰۱۲). مجمع الأمثال، فی الجزءین، بیروت: دارالمعرفة.
- هانت، رولند. (۱۳۷۷). هفت کلید رنگ درمانی، ترجمه: ناهید ایران‌نژاد، تهران: جمال الحق.